

مجله: فصلنامه علمی-پژوهشی
ژانر: علمی-پژوهشی
تعداد صفحات: ۱۰۰
تعداد جلد: ۱
سال انتشار: ۱۳۹۵
شماره: ۱

دوره‌گردها

رمان

پل هاردینگ

ترجمه

مجتبی ویسی



انتشارات مروارید

مقدمه



«دوره‌گردها» رمانی است استوار بر شوری شاعرانه، مکاشفهی هستی، طنطنه و ترنم کلام. در نگاه نخست، شاید این‌ها تعبیری بکر و بعید ننماید، اما حساب این رمان از آنجا جدا می‌شود، از آنجا بکر و بعید بودنش رخ می‌نماید که پای شیوهی بیان، شیوهی پردازش و شیوهی درک و دریافت خُرد و کلان هستی، پیوند و ترکیب اجزایش، به میان می‌آید. انگار شاعری شوریده، فیلسوفی عزلت‌گزیده به سخن درآمده است، چنان‌که به واژه و جمله مهر می‌ورزد و دغدغهی چیستی و مسائل بنیادین دارد. انگار نه نویسنده، بلکه زبان‌ورزی باریک‌اندیش و خیال‌پیشه، از گوشه‌ای نامکشوف در جهان ما، به جهان ما می‌نگرد؛ با چشمان و دهان و ذهنی غریب برای مشاهده و بازگویی و سنجش پدیده‌ها و رفتارهای جهان ما، زمان و مفاهیم آن.

نه، به هیچ‌وجه اغراق نیست که بگویم فهم نویسنده از هستی، فهم پل هاردینگ^۱ از رمان، اگر نگوییم نادر و کمیاب، دست‌کم خاص و منحصر به فرد است. او دنیای صنعتی را ادامه‌ی منطقی دنیای طبیعی می‌داند، ساعت‌ساز را

1. Paul Harding

همتراز با شاعر می‌شمارد و چنان خردی‌های به‌ظاهر حقیر و به‌چشم‌نیامدنی را وصف می‌کند که انگار اولین بار است بر آنها چشم می‌گشاییم. صرفاً این هم نیست: در داستان او، توصیف جزئیات با خیال‌هایی درمی‌آمیزد که ما را یکسر به عالمی دیگر پرتاب می‌کند، عالمی بی‌زمان و کمتر تجربه‌شده. او حتی این قدرت را دارد که از یک کنش ساده، برای نمونه آب‌تنی در دریا، یک امر فراموش‌نشدنی، اتفاقی در زبان، بسازد.

رمان پل هاردینگ با ساختار تکه‌تکه‌اش، پر است از جوشش و غلیان، از تکان‌دهنده، از ابداع، از نگاهی که انسان از یاد برده است به خود و محیط و کیهانش بیندازد. و این‌ها، به هیچ‌وجه اغراق نیست.

پیش از شرح‌حال نویسنده، ذکر دو نکته الزامی است: نام این کتاب در زبان انگلیسی Tinkers است که در حالت مفرد، دوره‌گرد، بندزن یا تعمیرکار ظروف‌آلات ساخته‌شده از حلبی، روی یا قلع معنا می‌دهد؛ همه هم با محتوای اثر سازگارند، اما ترکیب «دوره‌گرد» به کار گرفته شده است، چون مفهومی عام‌تر و جامع‌تر را دربرمی‌گیرد. دوم، از آنجا که نویسنده علاقه‌ای به استفاده از علامت نقل‌قول مستقیم (:) ندارد و به جای آن ویرگول می‌گذارد، در ترجمه نیز چاره‌ای جز پیروی از قاعده‌ی نویسنده نبوده است.

پل هاردینگ در سال ۱۹۶۷ در شهر ونهام از ایالت ماساچوست متولد شد و همانجا بار آمد. در نوجوانی و جوانی بسیاری از اوقاتش را به پرسه زدن در جنگل می‌گذراند که خود آن را به پای عشق و علاقه‌اش به طبیعت می‌گذارد. پدربزرگش ساعت‌ساز بود و پل زیر نظر او این حرفه را آموخت، تجربه‌ای که بعدها در کتاب «دوره‌گردها» بسیار به کارش آمد. پس از کسب مدرک کارشناسی در رشته‌ی زبان انگلیسی از دانشگاه ماساچوست،

به مدت هفت سال در گروه موسیقی «کولد واتر فلت^۱» به‌عنوان درام‌نواز فعالیت داشت و با این گروه در داخل خاک امریکا و همچنین کشورهای اروپایی در کنسرت‌های فراوانی شرکت کرد. او که همواره شیفته‌ی مطالعه بود (و همچنان است) یک بار حین خواندن کتاب «زمین ما» اثر کارلوس فونتس ناگهان کتاب را زمین گذاشت و به خود گفت: «این کاری است که باید انجام بدهم». پس از آن در کالج اسکیدمور نیویورک ثبت‌نام کرد. آنجا برحسب اتفاق استادش «مریلین رابینسون^۲» از کار درآمد، نویسنده‌ای که او را در جریان کار «کارگاه نویسندگی آیوا» گذاشت و هاردینگ نیز بلافاصله درخواستی برای آنجا فرستاد که پذیرفته شد. در آنجا زیر نظر بری آنزورث^۳، الیزابت مک کرکن^۴ و بعدتر مریلین رابینسون فوت و فن کار نویسندگی را فراگرفت.

«دوره‌گردها» اولین رمان پل هاردینگ است که در سال ۲۰۰۹ در یک انتشاراتی کوچک و کم‌نام‌ونشان به چاپ رسید و در سال ۲۰۱۰ جایزه‌ی پولیتزر را برای وی به ارمغان آورد. این کتاب همچنین موفق به دریافت جایزه‌ی پن/رابرت بینگام شد. از نکات جالب آن است که در طول تقریباً شش سالی که هاردینگ روی این رمان کار می‌کرد، آن را به هیچ‌کس نشان نمی‌داد. اولین کسی که آن را خواند، استادش «بری آنزورث» بود.

پل هاردینگ که مدتی نیز به تدریس در دانشگاه‌های هاروارد و آیوا، در رشته‌ی نویسندگی، پرداخته است، هم‌اکنون با همسر و دو پسرش در حوالی بوستون زندگی می‌کند.

در خاتمه لازم می‌دانم از دوستان عزیزم مهدی شهیدی و حمیده اسمعیلی، به‌خاطر سخاوت‌شان در صرف وقت برای خواندن ترجمه و ارائه‌ی نظرات

1. Cold Water flat
3. Barry Unsworth

2. Marilynne Robinson
4. Elizabeth McCracken